



تلاش برای جبران اشتباهات

یاشار امینی

براون گفته است سیاست‌های دولت جدید باید براساس مشورت و ارتباطات مردمی استوار باشد، ولی این سیاستمدار سخت‌گیر ۵۶ ساله در انگلیس مشهور به بی‌رحمی استالینی و در عین حال ناتوان از بیان رفتارهای انسانی است. سال گذشته "چارلز کلارک" از وزیران پیشین کابینه انگلیس او را سیاستمداری "سواسی و دمدمی مزاج" نامید. آندرو ترن بول "از کارمندان عالی‌رتبه سابق دولت انگلیس نیز گفته که براون مردی است که همکاران خود را تحقیر می‌کند.

"آنتونی سلدون" زندگینامه نگار انگلیسی نیز که شرح حال تعدادی از معروفترین سیاستمداران انگلیسی را نوشته، در خصوص براون گفته است: "فکر نمی‌کنم که چهره واقعی براون تا زمان برگزاری انتخابات مشخص شود". این اظهارنظرها در حالی صورت می‌گیرد که براون در اظهارات خود با اشاره به این که سیاست‌های دولت جدید براساس عبرت از اشتباهات گذشته و تلاش جهت جبران آنها استوار خواهد بود، گفته است: "باید از هر گونه فرصتی برای جلب اعتماد مردم استفاده کرده و سیاست‌های دولت جدید باید براساس مشورت و ارتباطات مردمی استوار باشد".

آن که چهره‌ای سیاسی باشد، چهره‌ای کاملاً اقتصادی است. نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور منتخب فرانسه که در ماه گذشته انتخابات فرانسه را به سود خود به پایان رساند، برای انگلیسی‌ها چهره‌ای شناخته شده‌تر از گوردون براون خودشان است. در حال حاضر گوردون براون تنها یک گام تا ورود به خانه شماره ۱۰ "دونینگ استریت" فاصله دارد و این در حالی است که وی در این فاصله‌ی کم نمی‌تواند اصول سیاست خارجی خود را تشریح کند. مسایلی نظیر اسلام افراطی، افزایش جرم و جنایت در انگلستان، مهاجرت، بهداشت و خدمات اجتماعی همگی از مسایلی هستند که براون باید برای هر کدام سیاست خاصی در ذهن داشته باشد. در عرصه اقتصادی، براون خاطرات خوشی را از خود به یادگار گذاشته است. گوردون براون به سرعت بانک انگلستان را به سمت استقلال پیش برد و بر موضوع تورم متمرکز شد. انگلستان رگ حیاتی هم برای کشورهای اروپایی و هم ایالات متحده است. با وجود آن که بسیاری از رقبای براون علاقه‌ای به شنیدن این جمله ندارند، اما حقیقت این است که اقتصاد انگلستان، در دوران براون الگویی موفق برای بسیاری از کشورهای اروپایی بوده است. هر چند که

گوردون براون "وزیر دارایی انگلیس بعد از آن که تونی بلر" نخست‌وزیر انگلیس در ماه گذشته به صورت غیر مترقبه تصمیم خود برای کناره‌گیری از قدرت را اعلام کرد تلاش‌های خود را برای تصدی پست نخست‌وزیری انگلیس و جلب حمایت مردمی از حزب کارگر انگلیس آغاز کرده تا با آنچه که وی تحقق بخشیدن به آرمان زندگی انگلیسی‌ها نامیده دولتی را در این کشور بر سر کار بیاورد که همکاری بیشتری با مردم و پارلمان این کشور داشته باشد. براون در شرایطی تلاش برای جلب حمایت مجدد مردمی از حزب کارگر را آغاز کرده که تونی بلر با اعلام حمایت خود از وی گفته است او توانایی فوق‌العاده و استعدادی شگرف دارد که می‌تواند آن را در خدمت کشور به کار گیرد. بلر در اظهارات خود درباره او گفته است: "براون توانایی خود را در مدیریت قابل ستایش بر اقتصاد کشور نشان داده و قدرت، قضاوت و تجربه لازم را برای نخست‌وزیری دارد".

براون جانشینی مرموز برای بلر

براون، مردی که سابقه سیاسی وی درهاله‌ای از ابهام قرار دارد، این روزها خود را برای تکیه زدن بر کرسی بلر آماده می‌کند. گوردون براون بیش از

براون و سیاست انگلیس در قبال عراق

تبعات جنگ عراق جانشین بلر را نیز رها نمی‌کند. براون باید علاوه بر این که برنامه‌هایی برای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی انگلیس ارایه دهد، در عین حال بیشترین تمرکز خود را بر روی مهمترین مساله فعلی سیاست خارجی این کشور یعنی عراق متمرکز کند. براون در همین خصوص با تصدیق اشتباهاتی که در عراق صورت گرفته، گفته که دولت وی به تعهدات خود در قبال مردم عراق پایبند می‌ماند؛ تعهداتی که بخشی از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد و در حمایت از دموکراسی هستند. وی معتقد است که در خصوص عراق باید بر سر مصالحه سیاسی و بهبود وضعیت اقتصادی کار کرد تا مردم عراق احساس کنند که در آینده عراق جایگاهی دارند. بنا بر اظهارات براون، او می‌خواهد در دوران زمامداری اش تمامی تلاش خود را جهت جلب اعتماد مردم و جبران اشتباهات گذشته به کار گیرد و با توجه به مخالفت‌های مردمی نسبت به مشارکت انگلیس در جنگ عراق و از سوی دیگر ضرورت حضور انگلیس در جنگ فراگیر با تروریسم به دنبال جلب اعتماد و همکاری‌های مردم در این امر خطیر باشد. هر چند که نمی‌توان صریحاً به این مساله پرداخت که آیا لندن پس از خروج بلر از قدرت همچنان شریک دوست داشتنی واشنگتن در جنگ باقی خواهد ماند یا خیر، ولی تعدادی از کارشناسان مسایل بین‌المللی بر این باورند که استعفای بلر می‌تواند باعث تسریع خروج نیروهای انگلیسی از عراق شود. به باور آنها اشاره براون به هزینه شش میلیارد پوندی جنگ عراق برای انگلیس، اظهاراتش مبنی بر سفر به عراق در آینده نزدیک با هدف بررسی وضعیت این کشور، پذیرش انجام اشتباهاتی در عراق در نطق وی و تاکید او بر لزوم تمرکز بر توسعه سیاسی و آشتی ملی عراق از نشانه‌های افزایش احتمال خروج زود هنگام نیروهای انگلیسی از عراق محسوب می‌شود. این در حالی است که براون تاکنون هیچ اشاره‌ای به وجود داشتن جدول زمانی برای خروج نیروهای انگلیسی از عراق نکرده و حتی تونی بلر نیز در سفر اخیر خود به عراق به سیاستمداران عراقی و آمریکایی اطمینان داده که انگلیس پس از وی نیز به حمایت از عراق ادامه می‌دهد. سوالی که در این میان مطرح است این است که آیا استعفای بلر می‌تواند باعث تسریع خروج نیروهای انگلیسی از عراق شود؟



تونی بلر نیز در حال حاضر ظرف چهار سال دو شکست اساسی را در پرونده سیاسی خود به ثبت رسانده است

تاریخ چگونه درباره بلر قضاوت خواهد کرد؟

مسئله یافتن پاسخی برای این پرسش نیاز به گذشت زمان دارد ولی آنچه حایز اهمیت است، پاسخی است که شخص بلر به این پرسش داده است. وی در این خصوص گفته: "من آنچه را فکر می‌کردم درست است انجام دادم".

وی همچنین با دفاع از حمایت‌هایش از آمریکا در جنگ با ترور و حمله به افغانستان و عراق پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا گفته است: "سنگند یاد می‌کنم که آنچه را فکر می‌کردم درست است انجام دادم، شاید اشتباه کرده باشم، این به قضاوت شما بستگی خواهد داشت، اما به یک چیز معتقدم اینکه کاری را انجام دادم که فکر می‌کردم درست است؛ از مردم انگلیس برای لحظاتی که امور به درستی پیش رفت تشکر کرده و به دلیل کاستی‌ها عذرخواهی می‌کنم". جان هوارد، نخست وزیر

استرالیا نیز معتقد است که شجاعت بلر در حضور در جنگ عراق به رغم مخالفت‌های بسیار در این کشور، قابل تحسین است، ولی دیوید کامرون رهبر حزب محافظه‌کار انگلیس معتقد است که عملکرد ۱۰ ساله بلر در دوران زمامداری خود برای مردم انگلیس ناامید کننده است و او نتوانسته به برخی از وعده‌هایش عمل کند. با وجود تمام نظراتی که در مورد عملکرد بلر در دوران نخست‌وزیری اش وجود دارد، مسلم است که بلر در نخستین روز ماه جولای دفتر خود را پس از ۱۰ سال اقامت در خانه شماره ۱۰ دونینگ استریت ترک می‌کند و انگلستان را در شرایطی که موقعیتش در اروپا تقویت شده به حال خود وامی‌گذارد. در طول این ۱۰ سال به مدد آقای نخست‌وزیر، انگلستان به اصلی‌ترین متحد آمریکا تبدیل شده است و البته جایگاهی خاص در تجارت جهانی پیدا کرده است. برخی از سیاستمداران انگلیسی بر این باورند که اگر بلر با جنگ عراق به وجهه خود آسیب نرسانده بود، می‌توانست تا پایان دوره سوم نخست‌وزیری، در قدرت باقی بماند. تونی بلر دفتر نخست‌وزیری را در حالی ترک می‌کند که هیچ تاریخی برای خروج سربرازان انگلیسی از عراق تعیین نشده است. آنچه که تونی بلر و جرج بوش پیش از حمله به عراق در رویاهایشان می‌دیدند، حمله به این کشور و انتقال آرام و بی‌دردسر قدرت به دولتی منتخب بود. البته شبه نظامیان مسلح با نابود کردن این رویاهای عراق را در آستانه جنگ داخلی قرار داده‌اند. انتخابات طبق پیش‌بینی‌ها انجام گرفته اما از ثبات سیاسی و امنیتی خبری نیست.

تونی بلر نیز در حال حاضر ظرف چهار سال دو شکست اساسی را در پرونده سیاسی خود به ثبت رسانده است. نخستین شکست در عدم صحت دلیل حمله به عراق نهفته است. چهار سال پیش بلر و بوش به امید یافتن تسلیحات کشتار جمعی راهی عراق شدند. ادعایی که بعدها اشتباه از کار درآمد. دومین شکست نیز این است که با وجود آن که جنگ علیه ارتش عراق به سرعت پیش می‌رود، جنگ علیه شبه نظامیان روند بسیار کندی را در پیش گرفته است. شاید تونی بلر می‌توانست پس از اشتباه نخست مانع از رخداد اشتباه دوم شود اما این اتفاق هرگز رخ نداد. شاید اگر عراقی‌ها به زندگی در جامعه‌ای دموکرات و با ثبات می‌رسیدند، مساله تسلیحات کشتار جمعی و عدم کشف آنها به فراموشی سپرده می‌شد و اگر تسلیحات کشتار جمعی یافت می‌شد پذیرفتن تبعات طولانی مدت این جنگ نیز

چندان غیر ممکن نبود. اما در حال حاضر بلر نه دلیل کافی برای آغاز این جنگ را دارد و نه علت طولانی شدن آن را. نه تنها محبوبیت بلر که مشروعیت وی نیز با این حادثه زیر سوال رفته است. بلر در شرایطی دفتر نخست‌وزیری را ترک می‌کند که سربازان انگلیسی در افغانستان نیز درگیر هستند. البته جنگ افغانستان به دلیل حضور طالبان در این کشور چندان مورد انتقاد قرار نگرفته است. این شخص تونی بلر بود که همزمان با اشغال عراق، استانداردهای بالایی را برای محک پیروزی در این کشور اعمال کرد. بلر در روز هجدهم ماه مارس سال ۲۰۰۳ با حضور در مجلس عوام به بحران مونیخ در سال ۱۹۸۳ اشاره کرد، زمانی که فرانسه و انگلستان هیتلر را به زانو درآوردند. وی در آن زمان از دو پدیده خانمان‌سوز دیکتاتوری و تروریست با هم سخن گفت. البته نخست‌وزیر انگلیس مدعی شد که صدام علاوه بر حمایت از تروریسم و برپایی حکومت دیکتاتوری، تسلیحات کشتار جمعی نیز در اختیار دارد. تونی بلر در ادامه سخنانش اعلام کرد که این جنگ الگوی سیاست بین‌المللی برای نسل‌های آتی را مشخص خواهد کرد. طرفداران تونی بلر بر این باورند که وی و جورج بوش مسیر صحیحی را انتخاب کرده‌اند. مسیری که با وجود تمامی مشکلات آن، روزی تاریخ درخصوص آن قضاوت خواهد کرد.

کارنامه بلر

هر چند که عراق خاطره تلخی برای تونی بلر درست کرده است، ولی وی در جریان جنگ کوزوو و سیرالئون خاطرات خوبی را از خود به جا گذاشت. شاید موفقیت‌های وی در این دو جنگ بود که بلر را به فرو رفتن در گرداب عراق تشویق کرد. حقیقت این است که تونی بلر به راحتی زمانی که تصور کند حق با اوست به نیروی نظامی متوسل می‌شود.

وی مدت‌ها پیش از آن که بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به فکر حمله نظامی به کوزوو بیفتد، موافق حمله زمینی به این منطقه بود. بلر در آن زمان احساس می‌کرد که اروپای مملو از صلح و دوستی به نیروی نظامی برای آرام کردن کوزوو نیاز دارد. بنابراین جنگ عراق پس از تمامی این تجربه‌های خوب رخ

داد. زمانی که نوبت به عراق رسید، تصور وجود تسلیحات کشتار جمعی در این کشور، بلر را بر تصمیمش راسختر کرد. بلر و بوش چشم در چشم یکدیگر دوختند. نتیجه اجتناب‌ناپذیر بود. بی‌شک طرفین برای آغاز این جنگ عجله کردند. تونی بلر نخستین رهبر غربی نیست که سایه شکست یک جنگ را بر موفقیت‌های داخلی‌اش احساس می‌کند. بی‌شک وی آخرین نیز نخواهد بود.

هر چند که عراق لکه ننگی در کارنامه سیاسی بلر است، ولی نگاهی به عملکرد داخلی او در انگلیس نیز خالی از لطف نیست. رشد اقتصادی پایدار در دوران رهبری بلر باعث بهبود وضعیت زندگی انگلیسی‌ها شد، کما این که بریتانیا اکنون پنجمین اقتصاد بزرگ جهان است و بیگاری در این کشور بسیار کاهش یافته است. از دیگر جنبه‌های مثبت و قابل دفاع سیاست دولت بلر، دغدغه همیشگی و تلاش جدی وی برای حل مسالمت‌آمیز مساله صلح و تقسیم قدرت بین جناح‌های مختلف در ایرلند شمالی با معاهده "Good Friday" (جمعه خوب) است که با وجود فراز و نشیب‌های فراوان مرحله پایانی خود را شاهد بود. بلر در آخرین روزهای ماموریتش آشکارترین موفقیت خود یعنی احیای تقسیم قدرت مسالمت‌آمیز بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را در ایرلند شمالی جشن گرفت. با ابتکار بلر، اسکاتلند صاحب پارلمان و ولز صاحب مجلس محلی خودش شد. همچنین در دوران نخست‌وزیری وی انگلیس به کشوری بردبارتر و جهانی‌تر تبدیل شد، قانون دفاع از حقوق بشر و حقوق مدنی به تصویب رسید. علاوه بر آن بلر بحث جاری در جامعه اروپا را تغییر داد و افکار عمومی را وادار کرد



توجه بیشتری به تغییرات مخرب آب و هوایی و فقر در آفریقا داشته باشند.

با این حال دولت بلر از تعداد زیادی از رسوایی‌ها رنج برده که آخرین آنها "پول نقد برای افتخار" است که وی را تبدیل به اولین نخست‌وزیری کرد که در جریان بازجویی پلیس به عنوان شاهد مورد سوال قرار می‌گیرد. در این قضیه طرف‌های سیاسی در قبال دریافت پول کرسی‌های مجلس لردها را می‌فروختند. این مساله علاوه بر آن که از محبوبیت حزب کارگر به شدت کاسته، خطر پیگیری قضایی و تحت تعقیب قرار گرفتن جدی از سوی پلیس را برای بلر و یاران نزدیکش مطرح کرده است. مرگ پرنسس دایانا، عملیات‌های انتحاری در لندن و رسوایی‌هایی که منجر به دستگیری مشاوران ارشدش شد از دیگر کابوس‌های بلر در دوره نخست‌وزیری‌اش بود. بلر قول داده بود تا پایان دوران نخست‌وزیری‌اش در سال ۲۰۱۰ در مسند قدرت بماند، پس از یک کودتای کوچک در سپتامبر گذشته توسط رهبران حزب کارگر که گفته می‌شود توسط گوردون براون هماهنگ شده بود، مجبور شد بگوید که استعفا خواهد داد. در این میان استعفای چند مقام عالی‌رتبه دولت و شکست حزب کارگر در انتخابات شوراها و مجلس محلی در انگلیس تاثیر عمده‌ای بر تصمیم بلر برای استعفا گذاشت. اما بلر روز ۷ سپتامبر ۲۰۰۶ به دنبال مخالفت حزب کارگر با موضع‌گیری وی در قبال جنگ اسرائیل علیه لبنان (جنگ ۳۴ روزه) به ناچار اعلام کرد ظرف یکسال استعفا خواهد داد. بلر به وعده‌اش عمل کرد و رقیب پیشین ۱۰ سال انتظار آزموده، هم اکنون در راه عمارت نخست‌وزیری است. خدمت براون به عنوان نخست‌وزیر بریتانیا تحت الشعاع جنگ عراق قرار گرفته و حتی بر امیدواری‌های خود او به تغییر دادن سیاست‌های انگلیس برای یک نسل سایه انداخته است.

تردیدی نیست که بلر موجب تغییرات رادیکالی در بریتانیا شد، اگر چه حتی به اذعان خودش این تغییرات کافی نبوده است. او از قدرت بسیار زیاد پارلمانی برخوردار بود و در برقراری رابطه با مخاطب بسیار تبحر داشت ولی در آینده از تونی بلر در ارتباط با اتفاقاتی که در خارج از بریتانیا افتاده به مراتب بیشتر یاد خواهد شد تا به خاطر موفقیت‌هایش در بریتانیا.